فصلنامه علمی ـ پژوهشی اندیشه نوین دینی
سال ۸، تابستان ۱۳۹۱، ش ۲۹
صفحات ۶۸ ـ ۵۳

ANDISHE-E-NOVIN-E-DINI
A Quarterly Research Journal
Vol. 8, Summer 2012, No. 29

واکاوی چرایی گونه گونی روزی ها و ارتباط آن با عدالت الهی از دیدگاه قرآن

مهدی عبداللهی‌پور*
محمدعلی مهدوی‌راد**

چکیده

یکی از مهم‌ترین نیازهای آدمی، رزق و روزی است و ادامه زندگی بدون برآورده‌شدنِ این نیاز امکان‌پذیر نیست. خداوند عهده‌دار روزی‌رسانی شده و در قرآن کریم به تضمین روزی‌ها وعده داده است؛ ازسوی‌دیگر، درنگ در زندگی انسان‌ها این حقیقت را آشکار می‌سازد که گونه‌ای نابرابری در میزان بهره‌مندی از روزی میان آنها وجود دارد. ناشناخته‌ماندنِ فلسفه وجودی این امر، شبهه‌هایی را ایجاد کرده و باعث لرزش پایه‌های ایمان به عدل الهی در این گروه شده است. ازآنجاکه پرداختن به این مسئله بدون بررسی پیوند این تفاوت‌ها با عدالت الهی نافرجام خواهد ماند، در این نوشتار افزون بر بیان مفهوم رزق و ارائه تفسیر صحیح از وعده تکفل روزی‌ها، فلسفه گونه‌گونی روزی‌ها و سازگاری این مقوله با عدالت الهی بررسی شده می‌شود.

واژگان کلیدی

رزق، تفاوت، عدالت، حکمت، مصلحت، قرآن کریم.

---

*. دانش‌آموخته دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران، گروه علوم قرآن و حدیث، تهران، ایران.
Abdollahipour@yahoo.com
**. دانشیار دانشگاه تهران. mahdavirad@isca.ac.ir
تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۸/۱۷ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۲/۲۰

طرح مسئله

هرگاه سخن از «انسان» به‌میان می‌آید، «نیازمندی‌های او» از نخستین مسائلی است که از ذهن می‌گذرد. در میان گستره نیازهای بشری، شماری اهمیتِ ویژه دارند و برآورده شدن آنها شرط لازم (نه کافی) ادامه یافتنِ حیات تلقی می‌شود. نیاز آدمی به رزق و روزی از بارزترین نیازهای ویژه و نخستین او بشمار می‌آید که برطرف نشدنِ آن می‌تواند انسان را در سراشیبی نابودی قرار دهد. بقای آدمی منوط به بهره‌مندی وی از روزی می‌باشد و فراهم نشدنِ آن از جانب خداوند حکیم با حکمت او منافات دارد. شایسته نیست خداوند انسان را بیافریند، اما نیازهای او را درنظر نگیرد و بدون آنکه اسباب ادامه حیاتش را فراهم آورد، او را به حال خود رها سازد. به بیان بهتر، آگاهی خداوند از همه نیازهای بشر، به‌ویژه نیاز وی به روزی، اقتضای مقام ربوبی پروردگار می‌باشد. ازاین‌رو در قرآن کریم به تضمین و تکفل روزی‌ها وعده داده شده است.

ازسوی‌دیگر، بهره‌مندی افراد از این نیازِ همه‌گیر، «برابر» نیست و برخی دارای «روزی اندک» و گروهی بهره‌مند از «روزی گسترده» هستند. حال با درنظرگرفتنِ وعده پروردگار در قرآن کریم مبنی‌بر تضمینِ روزی‌ها، حکمت این تفاوت‌ها چه می‌تواند باشد؟ آیا به‌راستی این تفاوت‌ها با عدالت الهی سازگار است؟ این پژوهش درپی آن است تا ضمن پاسخ به این پرسش‌ها، فلسفه عدم بهره‌مندی همگان از روزی سرشار را نیز واکاوی کند.

بررسی مفهوم «رزق»

آرا عالمان لغت درباره مفهوم «رزق» نشان می‌دهد که این واژه از نگاه آنان به معانی گوناگونی مانند: «آنچه از آن سود می‌برند» (جوهری، ۱۴۰۷: ۴ / ۱۴۸۱؛ فیروزآبادی، ۱۴۰۷: ۱۱۴۴) «عطا و بخشش» (ابن‌فارس، ۱۴۱۵: ۴۰۱؛ راغب اصفهانی، ۱۳۸۱: ۳۵۱؛ حسینی کفوی، ۱۴۱۳: ۶۵۴) «غذا و معاش» (زحیلی، ۱۴۲۴: ۶ / ۳۲۶؛ مصطفی، بی‌تا: ۱ / ۳۴۲) «نبوت و علم» (قرشی، ۱۳۷۲: ۳ / ۸۲) و ... تعبیر شده است.

در جمع‌بندی این آرا می‌توان معنای «رزق» را این‌گونه تقریر کرد:

«رزق» عطا و بخششی است که از آسمان فرود آمده است و موجود زنـده بـرای ادامه حیات خود، به‌صورت مستقیم یا غیر مستقیم از آن بهره‌مند می‌گردد.

این تعریف، تنها مادیات را دربرنمی‌گیرد و اگر مردم واژه «رزق» را منحصر در امور مادی و به‌خصوص «خوراکی‌ها» تصور می‌کنند، از باب تغلیب و از آن جهت است که کـاربرد ایـن واژه در امور مادی ملموس‌تر است؛ آن‌گونه که از تعریف جامعِ یادشده درباره «رزق» برداشت می‌شود، این واژه را هرگونه تفسیر کنیم، شرطِ «انتفاع و بهره‌مندی» از آن به قوت خود باقی خواهد ماند؛ (ابن‌خلدون، بی‌تا: ۳۸۱) مادامی‌که بهره‌منـدی از روزی، میسـر و ممکـن نباشـد، به‌کارگیری تعبیر «رزق» ناصواب خواهد بود.

پس «وسعت و تنگی رزق» و «کثرت مال» دو مقوله جدا از یکدیگر می‌باشـند (عیاشـی، بی‌تا:۱ / ۲۳۹) و نباید آنها را یکی قلمداد کرد.

تفاوت روزی‌ها

بهره‌مندی نابرابر همگان از روزی، مسئله‌ای است که قرآن کریم نیز به آن اشاره کرده است:

أَهُمْ يَقْسِمُونَ رَحْمَتَ رَبِّكَ نَحْنُ قَسَمْنَا بَيْنَهُمْ مَعِيشَتَهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَرَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِيَتَّخِذَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا سُخْرِيا وَرَحْمَتُ رَبِّكَ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ. (زخرف / ۳۲)

آیا آنان رحمت پروردگارت را تقسیم می‌کنند؟! ما معیشت آنهـا را در حیـات دنیـا میان‌شان تقسیم کردیم و برخی را بر گروهی برتری دادیم تا دیگران را به خـدمت گیرند؛ و حال آنکه رحمت پروردگارت از آنچه جمع‌آوری می‌کنند، بهتر است.

فقره دیگری که این مقوله در آن بازتاب یافته، این آیه است: «**وَاللَّهُ فَضَّلَ بَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ فِي الرِّزْقِ فَمَا الَّذِينَ فُضِّلُوا بِرَادِّي رِزْقِهِمْ عَلَى مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَهُمْ فِيهِ سَوَاءٌ أَفَبِنِعْمَةِ اللَّهِ يَجْحَدُونَ**؛ (نحل / ۷۱) و خداوند روزی برخی شما را بر گروهی دیگر برتری داده؛ اما آنها که برتری داده شده‌اند، حاضر نیستند از روزی خود به بردگان‌شان بدهند و همگی در آن برابر گردند؛ آیا نعمت خداوند را انکار می‌کنند؟!» اگرچه هنگام سخن گفتن درباره «رزق» این واژه در نگاه نخست به «روزی‌های مادی» منحصر می‌گردد، نصّ این آیه چنین اذعـانی نداشته و خدای سبحان این واژه را در معنای عام آن به‌کار گرفته اسـت؛ بـدین‌ترتیب، تلقـی

معنای خاص از واژه رزق و تفسیر آن بـه مقولـه‌هایی ماننـد «مـال و ثـروت» و بـه‌طورکلی «روزی‌های مادی»، تلقی صحیحی به‌نظر نمی‌رسد؛ ازاین‌رو می‌توان فراگیری این واژه در آیه را چنان گسترده دانست که روزی‌های معنوی را نیز شامل شود و حوزه‌هایی چـون زیرکـی و نادانی، زیبایی و زشتی، خردمندی و بی‌خردی، تندرستی و بیماری و حتی نام نیکو و نام زشت را نیز دربرگیرد.

در تفسیر ***مفاتیح الغیب*** آمده است:

> مسئله تفاوت روزی‌ها همچون «دریایی» می‌ماند که کرانه و سـاحلی نـدارد! بـر این اساس، این مقوله دارای چنان گستردگی است که اگر انسان در آن سـیری نماید، شگفتی‌اش افزون هم خواهد شد. (رازی، ۱۴۲۰: ۲۰ / ۲۴۳)

اکنون باید فلسفه وجودی این گونه‌گونی در رزق واکاوی شود.[۱] در این زمینه چنـد دلیـل شمرده شده است:

۱. عامل بقای آفرینش

اگر خداوند به همگان روزی همسان بدهد، دیگر نـه «اربـاب» معنـا دارد و نـه «بـرده»، نـه «رئیس» و نه «مرئوس» و نـه «مسـتمند» و نـه «متمـوّل» (شـوکانی، ۱۴۲۰: ۴ / ۶۶۳) در چنین نظامی که همه افرادش به‌لحاظ بهره‌مندی از روزی با هم برابرنـد، جـز فسـاد، زوال و تباهی باقی نخواهد ماند. زمخشری (۵۳۸ ـ ۴۶۷ ق) در زمره عالمانی است که «حفـظ نظـام آفرینش» را دلیل تفاوت روزی‌ها دانسته اسـت؛ وی در تفسـیرِ آیـه شـریفه: «**أَهُمْ يَقْسِمُونَ رَحْمَتَ رَبِّكَ** ...» (زخرف / ۳۲) آورده است:

> خداوند کسی است که معیشت را میان مردمان تقسیم نمود و آن را بـر ایشـان تقدیر کرد و مدبرانه و عالمانه، احوال مردمان را بـا روزی و معیشت‌شـان تـدبیر فرمود. اما آنها را «برابر» قرار نداد؛ بلکه در مورد روزی آنها تفـاوت قائـل شـد و منزلت مردمان را گوناگون تعیین نمود؛ ازاین‌رو برخی آنها را «توانمند» و برخی

---

۱. به‌رغم شمولیت دامنه «رزق» بر گستره‌ای افزون بر «مادیات»، به‌سـبب اطـلاق ایـن واژه در کـاربرد عموم بر مادیات، رویکرد این نوشتار نیز پرداختن به روزی‌های مادی می‌باشد.

دیگر را «ناتوان»، شماری از آنها را «توانگر» و شماری دیگر را «نیازمند»، گروهی را «ارباب» و بقیه را «برده» مقرّر فرمود؛ تا هریک برای برآورده شدنِ نیازهایش به دیگری روی آورده، در سختی‌ها از دیگری استمداد گیرد و هرکدام دیگری را در کارهایش رام خود سازد؛ تا [غنی و فقیر] از این راه در کنار هم زندگی کرده، پشتیبان یکدیگر باشند و به خواسته‌های خود دست یابند. (۱۴۰۷: ۴ / ۲۴۸)

و در خاتمه این‌گونه نتیجه‌گیری می‌کند:

اگر خداوند آنها را بدون آنکه در تسخیر یکدیگر درآورد، به حال خودشان رها سازد و از تدبیر امورشان روی برتابد، «تباه» شده، «هلاک» خواهند گردید. (همان؛ نیز ر.ک: رازی، ۱۴۲۰: ۲۷ / ۶۳۰)

بر این اساس، خداوند مدبرانه و حکیمانه، روزی‌ها را نابرابر قرار داده تا برخی از مردم توانمند و برخی دیگر ناتوان باشند و از این رهگذر، گروهی را در تسخیر گروه دیگر درآورد. (فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۱ / ۴۴۷) اگر بنا باشد در جامعه‌ای همگان از روزی هم‌اندازه بهره‌مند شوند، دیگر انگیزه‌ای برای پیشرفت باقی نمانده، این مفاهیم، معنای خود را از دست خواهند داد؛ در چنین وضعیتی، ناکارآمدی عناصری مانند تلاش و کسب و کار در افزایش و کاهش روزی‌ها به باوری فراگیر تبدیل می‌شود (جمالی‌زاده، ۱۳۸۹: ۵۶) که با نهادینه شدنِ این باور ازیک‌سو و افزون شدنِ این اعتقاد که انسان در دستیابی به روزی خود هیچ دخالتی ندارد و هرگونه نقش‌آفرینی در آن منتفی می‌باشد ازدیگرسو، رفته‌رفته پدیده شومِ «رکود و خمود» بر جامعه سایه خواهد افکند و چنین جامعه‌ای راه سقوط و فروپاشی را با شتاب خواهد پیمود.

نکته دیگر اینکه، نیازمندی افراد جامعه انسانی به یکدیگر، علاوه بر حفظ بقای نظام آفرینش، بی‌نیازی خداوند را نیز مبرهن نموده، یگانگی و وحدانیت او را به اثبات می‌رساند. (بحرانی، ۱۴۱۶: ۴ / ۸۵۷) به دیگر سخن، مفهوم بی‌نیازی ازجمله مفاهیمی است که دراثر به فعلیت رسیدنِ مفهومِ مخالف آن معنا خواهد یافت. در جامعه‌ای که نیازمندی در آن مفهومی غریب بشمار آید، ارزش و مزیت بی‌نیازی درک نخواهد شد. ازاین‌رو خداوند از راه نیازمند نمودنِ نوعِ بشر (طوسی، بی‌تا: ۱۰ /۳۸)، فضیلت بی‌نیازی را تنها در وجود خود منحصر نموده که این ویژگی در راستای اثبات یگانگی وی کارآمد می‌باشد.

۲. بستر تجلی آزمون الهی

فرازهای پُرشماری از کلام وحی بر جزمیتِ وقوع آزمون‌های الهی تأکید دارند. هرگاه سخن از آزمون به‌میان می‌آید، ابزارها و شرایط برگزاری آن، ذهن را مشغول می‌سازد؛ ازجمله بایسته‌ها در به فعلیت رسیدنِ آزمون، وجود ظرف و مجرایی است که آزمون از بستر آن بروز یابد. مقوله تفاوت روزی‌ها ازآن‌رو که شمولیت دارد، یکی از مهم‌ترین بسترهای وقوع این مهم می‌باشد. (سیوطی، ۱۴۰۴: ۴ / ۱۲۴؛ طبرسی، ۱۴۱۳: ۲ / ۲۲۴)

هرچند تفاوت روزی‌ها مایه ابتلا بوده، هردو گروهِ توانگر و نیازمند به‌واسطه آن سنجیده می‌شوند، آزمون هریک به فراخور احوال آنها خواهد بود؛ توانگران از طریق بخشش و دهش (زمخشری، ۱۴۰۷: ۲ / ۶۲۰) به نیازمندان و دستگیری از آنان آزمایش می‌شوند. محل ابتلای مستمندان نیز صبر و بردباری (حقی بروسوی، بی‌تا: ۷ / ۳۸) و پرهیز از ناشکری و ناسپاسی به درگاه الهی خواهد بود.

البته آزمون‌های الهی، بدان جهت انجام می‌شود که انسان به حال حقیقی خویش پی برده، از جایگاه خود در مسیر عبودیتِ پروردگار و فرمان‌برداری از ذات احدیت شناخت پیدا کند؛ وگرنه خداوند به همه احوال انسان، چه پیش از آزمون و چه پس از آن اشراف کامل دارد و در جهان آفرینش چیزی بر خداوند پوشیده نیست تا درپی رفع ابهام از آن برآید. (بحرانی، ۱۴۱۲: ۱ / ۴۶۲)

نکته دیگر اینکه غافلان و ناآگاهان، گشایش روزی را نشانه برتری تلقی نموده، روزی اندک را نشانه حقارت و خواری برمی‌شمارند. (طریحی، ۱۳۷۵: ۳ / ۴۴۸) قرآن کریم ضمن گزارشِ باورِ یادشده از زبان این دسته، این تفکر را با استفاده از لفظ «کَلّا» مردود اعلام می‌کند. (فجر / ۱۷ ـ ۱۵)

علامه فضل‌الله با کشیدن خط بطلان بر این باور، تفاوت روزی‌ها را بستری مناسب برای جریان یافتن آزمون الهی برشمرده، در تفسیر آیه شریفه «**قُلْ إِنَّ رَبِّي يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ**» (سبأ / ۳۶) می‌نویسد:

> گشادگی روزی، امتیازی را برای غنی و کمبود و تنگی آن، حقارتی را بر فقیر ثابت نمی‌کند؛ چه اینکه، هر دو وضعیت (تنگیِ روزی و گشادگی آن) ازجانب

خداوند ایجاد شده و درحقیقت، تفاوت روزی‌ها و قبض و بسط آنها از اختلاف حرکت «حکمت» سرچشمه می‌گیرد؛ آن هم بدان سبب که این وسعت و مضیقت‌ها به «صلاح» صاحبان آنها می‌باشد؛ چه اینکه، گاهی نیازمندی و فقر، به‌جهت آزمودنِ فقیر است تا خداوند از این طریق، صبر و ایمانش را آزموده و در نتیجه «درجه‌اش» را ارتقا دهد؛ که مسلماً ضیق روزی برای چنین فردی خیر و نیکی تلقی می‌شود؛ اما در مقابل، گاهی استغنا و توانگری برای آزمایش و سنجش شکر و تقوای توانگر است؛ که اگر شکرگزار نباشد، «درجه‌اش» پایین آمده و همچون شرّی گردنش را خواهد گرفت. (۱۴۱۹: ۱۹ / ۵۶)

بنابراین مقوله گوناگونی روزی‌ها غیر مرتبط و جدای از مقوله فضایل انسانی می‌باشد.

۳. مصلحت آفریدگان

خداوند برپایه مصلحت بندگان، روزی آنان را مقدر فرموده و هر پدیده‌ای در این عالم، برپایه نظامی دقیق و حکیمانه شکل گرفته است. در اندیشه اسلامی، «حکمتِ پروردگار» امری مسلم می‌باشد (دانش، ۱۳۸۹: ۸۴) که منشأ ظهور هر حرکت و خاستگاهِ آفرینش هر آفریده‌ای تلقی می‌گردد. خداوند از انجام فعل بیهوده مبراست و هریک از پدیده‌های این عالم با هدفی الهی ایجاد شده‌اند و مشیت و اراده پروردگار، برپایه تدبیر حکیمانه‌اش جاری می‌گردد. (صدرالدین شیرازی، ۱۳۸۳: ۴ / ۲۳۰؛ مازندرانی، ۱۴۲۱: ۳ / ۲۷۰؛ مجلسی، ۱۳۷۰: ۲ / ۱۵۵)

ازسوی‌دیگر، مقام ربوبی خداوند این‌گونه اقتضا می‌کند که حکمتش همواره برپایه مصلحتی (ابن‌کثیر دمشقی، ۱۴۱۹: ۵ / ۶۶) جریان یابد؛ (رازی، ۱۴۲۰: ۲۰ / ۳۳۰) ازاین‌رو تفاوت روزی‌ها نیز همچون سایر امور عالم، در گستره حکمت الهی و با اشراف کامل خداوند پدید می‌آید. یکی از دلایل تفاوت روزی‌ها نیز حکمت آفریدگار است که برپایه صلاح بندگان جاری می‌گردد. (خطیب بغدادی، بی‌تا: ۶ / ۱۵ ـ ۱۴؛ طبرسی، ۱۴۱۲: ۹ / ۴۰)

از مجموع سخنان پیش‌گفته، صحت این ادعا ثابت می‌شود که مؤثر اصلی در عرصه تقدیر ـ و به‌تبعِ آن تفاوتِ روزی‌ها ـ حکمت آفریننده و مصلحت بنده می‌باشد. مقام خداوندی، آگاهی به احوال همه بندگان را اقتضا می‌کند (طباطبایی، ۱۳۸۹: ۱۳ / ۸۸) و او در افاضه روزی به هریک از ایشان، مصلحتِ او را درنظر می‌گیرد. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت:

اولاً: بر همگان لازم است نسبت‌به آن روزی که برای آنها مقدر شده، خشنود و تسلیم قضای الهی باشند. (مطهری، ۱۳۷۱: ۹۷) این‌گونه اعتقاد راسخ و قطعی به حکمت و تدبیر الهی که نتیجه‌اش «توکل و اعتماد» به خداست، (نیشابوری، ۱۴۰۶: ۴۶۰) ترس از فقر را از میان می‌برد.

ثانیاً: آنچه خداوند برپایه حکمتِ مصلحت‌سنجش برای هرکس مقرر فرموده است، قطعی می‌باشد و تغییر در آن راه نخواهد داشت؛ هرچند وی همه عناصر آفرینش را در جهت زیادت یا نقصانِ آن بسیج نماید. (ابن‌حمید، ۱۴۰۸: ۲۱۴)

تفاوت روزی‌ها؛ اثبات عدالت الهی یا نفی آن

اگر اختلاف روزی‌ها با اشراف خداوند و ازجانب او ظهور می‌یابد، آیا تفاوت شگفت‌آورِ روزی‌ها با عدل و دادِ الهی سازگار است؟ خداوند در قرآن کریم به تضمین و تکفل روزی‌ها وعده داده است:

> وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا وَيَعْلَمُ مُسْتَقَرَّهَا وَمُسْتَوْدَعَهَا كُلٌّ فِي كِتَابٍ مُبِينٍ (هود / ۶)
>
> هیچ جنبنده‌ای در زمین نیست؛ مگر آنکه خداوند آرامگاه و ودیعت جایش را می‌داند و همه چیز در کتاب مبین ثبت است.

این وعده پروردگار سبب شده تا برخی خیال کنند خداوندِ روزی‌رسان باید بهره همه در رزق را مساوی گرداند که بطلان آن ثابت شد. افزون بر این، وعده تضمین و تکفل روزی‌ها، در اندیشه گروهی دیگر، تلقی طلب‌کارانه‌ای پدید آورده است؛ از نگاه این دسته، روزی‌رسانی به انسان، امری واجب برعهده خداوند تلقی می‌گردد. بنابر چنین نگرشی، افزون بر آنکه فرایندِ روزی‌رسانی، الزامی آشکار بر خداوند است، تفاوت افراد در بهره‌مندی از روزی‌ها نیز گونه‌ای تبعیض به‌حساب می‌آید. ازاین‌رو این باور در غایتِ خود، اختلاف روزی‌ها را منافی با عدالت الهی ارزیابی می‌کند سرزدنِ آن از ذات حضرت حق را از مقوله ارتکاب «قبیح» برمی‌شمرد.

بطلانِ این تلقی نیز روشن است. اگرچه این وعده پروردگار، گونه‌ای وجوب را به ذهن متبادر می‌سازد (تمیمی آمدی، ۱۴۰۵: ۲ ـ ۱ / ۸۶)، ازآنجاکه مجازات خداوند و نفوذ هرگونه

زیان در وجودش ممکن نیست، تصور امر واجب برعهده خداوند نیز محال است؛ ازاین‌رو غزالی تصریح می‌کند:

> برخی بر این باورند که آفرینش و مکلف شدنِ پس از آن بر خداوند واجب است؛ اما برهانِ حق در این مورد آن است که بگوییم: سخن کسی که می‌گوید: آفرینش و تکلیفِ پس از آن بر خداوند واجب است، مفهوم نیست؛ ازاین‌رو مفهوم این واژه نزد ما عبارت است از: آنچه برای تارک آن زیان‌آور باشد؛ چه زیان دنیایی و چه آخرتی. یا به دیگر سخن، واجب عبارت از هر چیزی است که نقیضش محال باشد و حال آنکه، زیان در حقِ خداوندِ بلندمرتبه محال است. (۱۴۲۱: ۱۹۸ ـ ۱۹۷)

مقوله وجوب درباره موجودی قابل تصور است که اگر از وجوب عدول نمود، متضرر شود و امکان مجازاتِ وی وجود داشته باشد؛ درحالی‌که وجود خداوند مبرای از زیان و گرفتاری در سختی مجازات است؛ ازاین‌رو روزی‌رسانی، تفضّل خداوند است، نه امر واجبی برعهده او؛ به‌علاوه اینکه، اگر بر وجوب عهده‌داری این امر ازسوی خداوند اصرار شود، این مقوله از قبیل وجوب کلامی بشمار خواهد آمد، نه وجوب فقهی.

بر این اساس، آن‌گونه که از معنای تفضل برمی‌آید، نابرابری در مقوله تفضل قابل تصور بوده، محال نمی‌باشد؛ چه اینکه، تفضل‌کننده به‌دلخواه خود، سهم دسته‌ای را افزون و سهم گروهی را اندک مقرر می‌نماید.

با وجود اثبات روزی‌رسانی تفضلی (نه وجوبی) ازسوی خداوند، انجام فعل عبث از او محال است و آنچه انجام می‌دهد، برپایه حکمت می‌باشد؛ چه فهم این حکمت‌ها برای بندگان حاصل شود و چه به چنین معرفتی دست نیابند. (احمدی و پورطالمی، ۱۳۸۹: ۲۵)

اگرچه ثابت شد که حکمت پروردگار براساس مصلحت و منفعت آدمی جریان می‌یابد، از اینکه کدام عنصر، صلاحِ او را رقم می‌زند، سخنی به‌میان نیامد. بررسی آرا ارائه‌شده در این‌زمینه نشان می‌دهد استعداد و ظرفیت انسان، عامل تعیین‌کننده مصلحت وی می‌باشد: «بدون شک، اختلافی که در میان انسان‌ها از نظر بهره‌های مادی و درآمدها وجود دارد، قسمت مهمش به تفاوت استعدادهای آنها مربوط است». (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۷: ۱۱ / ۳۱۲)

عده‌ای تفاوت استعدادها و از پی آن تفاوت در روزی‌ها را برنمی‌تابند؛ اما باید این باور در سرشت انسان نهادینه شود که استعدادهای مختلف، امری انتخابی و اختیاری نیست؛ بلکه لازمه دوام نظام آفرینش تلقی می‌شود. تفاوت استعدادها، خاستگاه سلیقه‌ها و قرایح گوناگون بشمار می‌آید و تفاوت سلیقه‌ها سبب بروز و ظهور انگیزه‌ها، رفتارها و گفتارهای متفاوت خواهد شد؛ به بیان بهتر، اگر جهانی را فرض کنیم که همه آفریدگان آن دارای استعدادهای یکسان باشند، آن‌گاه در چنین جهانی:

۱. یکایک افراد این جامعه از روزی یکسان بهره‌مندند؛

۲. همگان انگیزه‌ای واحد دارند؛

۳. از همگان رفتار یکسان سرمی‌زند؛

۴. گفتار افراد این جامعه برابر است؛ ...

دستاورد چنین جامعه‌ای یکنواختی خواهد بود و سرشت انسان که تنوع‌طلب است، این یکنواختی را برنمی‌تابد؛ ازاین‌رو فرجام چنین نظامی جز تباهی و انحطاطِ زودرس نخواهد بود.

از برآیند مطالبِ پیش‌گفته برمی‌آید که تفاوت افراد بشری در استعدادها و توانمندی‌ها طبیعی و ذاتی است و نه‌تنها نابخردانه تلقی نمی‌شود، به‌طور کامل پسندیده است و هر انسانِ حقیقت‌نگر بر عقلانی و منطقی بودنِ آنها صحه می‌گذارد؛ اما برخی تفاوت‌ها مصنوعی است و هیچ خرد سلیمی آنها را تأیید نمی‌کند. بخشی از تفاوت‌های جسمی و روحی مردم با یکدیگر، معلول اختلاف طبقاتی و مظالم اجتماعی یا سهل‌انگاری‌های فردی است که هیچ‌گونه پیوندی با دستگاه آفرینش ندارد و با از میان رفتنِ نظام طبقاتی و فراگیری عدالت اجتماعی در سطح جامعه برچیده خواهند شد. شریعت اسلامی هیچ‌گاه و در هیچ‌زمان این‌گونه تفاوت‌ها را تأیید نکرده است. (همان: ۳ / ۳۶۶ ـ ۳۶۵)

بنابراین اگر اختلاف انسان‌ها در ساختمان روحی و جسمیِ وجودشان طبیعی و ازجانب آفریننده ایجاد شده باشد، مقتضای حکمت و مصلحت‌سنجی پروردگار است و عدالت هیچ‌گاه نمی‌تواند از حکمت جدا باشد؛ اما تفاوت‌های ساختگی در این مقوله جای نداشته، به ضعف و ناتوانی حکومت‌ها در برقراری عدالت اجتماعی بازمی‌گردد.

با توجه به اثبات این حقیقت که ظرفیت و استعداد طبیعی و ذاتی افـراد گونـاگون اسـت، مصلحتِ آنان با هم تفاوت دارد و ازآنجاکه حرکتِ حکمت الهی برپایه مصلحتِ بشـر اسـت، خواستِ خداوند برای هریک از افراد بشر، مختص خـود او می‌باشـد؛ بـر ایـن اسـاس، روزی هرکدام با دیگری تفاوت دارد و این نه‌تنها با عـدالت الهـی منافـاتی نـدارد، ازآنجاکـه بنـابر مصلحت آنان افاضه می‌گردد، تأییدکننده آن نیز می‌باشد.

فلسفه عدم بهره‌مندی همگان از روزی فراوان

از آموزه‌های قرآن کریم چنین برداشت می‌شود که گنجینه‌های نعمت الهی به‌حـدی فـراوان است که می‌تواند روزی گسترده‌ای را برای تک‌تک افراد فراهم نماید. (حجر / ۲۱) اکنون این پرسش به ذهن می‌آید که چرا خداوند، روزیِ سرشارِ خود را بر انسان‌ها نمی‌گشاید و آنها را از بسطِ بی‌حدّوحصرِ روزی محروم می‌دارد؟

پیش‌تر ثابت شد که هرآنچه در نظام آفرینش حادث می‌شود، برپایه حکمـت و مصـلحت الهی می‌باشد؛ ازسوی‌دیگر، تفاوت روزی‌ها نیز از این قاعده بیرون نیست؛ پـس عـدم بـارشِ سیل‌آسای روزی ـ به‌رغم بی‌انتها بودن و پایان‌ناپذیری گنجینه فضل و رحمـت پروردگـار ـ بی‌سبب نبوده، حکمت و مصلحتی دارد.

در بیان این حکمت و مصلحت می‌توان از کتاب الهی کمک گرفت:

> وَلَوْ بَسَطَ اللَّهُ الرِّزْقَ لِعِبَادِهِ لَبَغَوْا فِي الْأَرْضِ وَلَكِنْ يُنَزِّلُ بِقَدَرٍ مَا يَشَاءُ إِنَّهُ بِعِبَادِهِ خَبِيرٌ بَصِيرٌ. (شوری / ۲۷)
>
> و اگر خداوند عطایش را بر بندگانش توسعه می‌داد، در زمین ستم می‌کردند؛ اما او آنچه را بخواهد، به‌اندازه‌ای معین نازل می‌کند؛ همانا او بـه بنـدگانش آگـاه و بیناست.

با توجه به وجودِ کشش‌ها و گرایش‌های زیاده‌طلبانه و برتری‌جویانه در سرشت آدمی، روزی گسترده و باریدن نعمت و رحمت و برکت بر انسان، رذایل اخلاقی نهفتـه در نهـادِ او همچـون خودبزرگ‌بینی را برمی‌انگیزد (رازی، ۱۴۲۰: ۲۷ / ۵۹۹؛ نیز ر.ک: قرشی، ۱۳۷۲: ۳ / ۸۶ ـ ۸۵) و بساط ستمگری و نافرمانی را می‌گستراند. (قمی، ۱۳۸۷: ۲ / ۲۷۶) بر خداوند قبیح اسـت کـه

ازیک‌سو، انسان‌ها را به فرمان‌برداری از خود امر کند و ازسوی‌دیگر، بساط نافرمانی را میان آنان بگستراند. ازاین‌رو خداوند ازسرِ حکمت و مصلحت‌سنجی خویش، از بروز چنین اختلالی پیش‌گیری نموده و به‌سبب آگاهی کامل از احوال بندگان، با درایتی حکیمانه روزی هریک از آنان را تقدیر فرموده است.

نتیجه

فلسفه پیدایش تفاوت در رزق انسان‌ها، حفظ نظام آفرینش، آزمودن صبر و شکرِ مستمند و توانگر و ملاحظه مصلحت آفریدگان می‌باشد. ازآنجاکه روزی براساس تفضل پروردگار به انسان عطا می‌شود، کسی بر خداوند حقی نداشته، اجازه اعتراض ندارد. ازسوی‌دیگر، حکمت پروردگار، برپایه صلاحِ بندگان جریان می‌یابد و عاملِ تعیین‌کننده در مصلحت و منفعتِ آدمی نیز استعدادها و ظرفیت‌های طبیعی و ذاتی افراد است و آنچه در جرگه مصنوعیات قرار می‌گیرد و محصول مظالم اجتماعی شمرده شود، از این مقوله بیرون خواهد بود. ازاین‌رو تفاوت روزی‌ها، نه‌تنها منافی عدالت الهی نیست، مؤید آن قلمداد می‌شود؛ چه اینکه عدالت الهی اقتضا می‌کند هرکس به اندازه صلاحش از روزی بهره گیرد. ضمن اینکه بر خداوند قبیح است همگان را از روزی واسع بهره‌مند نماید؛ زیرا در این‌صورت از یک‌سو، تفاوتِ ظرفیت انسان‌ها را در بهره‌مندی از روزی لحاظ نکرده است و عدالتش با چالش مواجه می‌شود و ازسوی‌دیگر، بهره‌مندی همگان از روزی فراوان، آنان را فاسد نموده، به طغیان و نافرمانی خواهد کشاند. این امر با فلسفه آفرینش انسان، یعنی بندگی و عبودیت منافات دارد.

منابع و مآخذ

۱. ***قرآن کریم***.
۲. ***نهج‌البلاغه***، ۱۳۷۹، ترجمه محمد دشتي، قم، مشرقين.
۳. ابن‌حميد، ابومحمد عبد، ۱٤۰۸ ق، ***المنتخب من مسند عبد بن حميد***، قاهره، مكتبة السنة.
٤. ابن‌خلدون، عبدالرحمان بن محمد، بي‌تا، ***مقدمه ابن‌خلدون***، بيروت، دار احياء التراث العربي.
٥. ابن‌فارس، احمد، ۱٤۱٥ ق، ***معجم المقائيس في اللغة***، بيروت، دارالفكر.

٦. ابن‌كثير دمشقي، اسماعيل بن عمرو، ١٤١٩ ق، ***تفسير القرآن العظيم***، بيروت، دارالكتب العلمية.
٧. احمدي، فهيمه و منيرالسادات پورطالمي، ١٣٨٩، «آسيب‌شناسي عبادت از منظر قرآن و حديث»، ***فدک (فصل‌نامه علمي - پژوهشي دين‌پژوهي و كتاب‌شناسي قرآني)***، ش ١، ص ٢٧ - ١١.
٨. بحراني، ابن‌ميثم، ١٤١٢ ق، ***شرح نهج البلاغه***، بيروت، دار احياء التراث العربي.
٩. بحراني، سيدهاشم، ١٤١٦ ق، ***البرهان في تفسير القرآن***، تهران، بنياد بعثت.
١٠. برقي، احمد بن محمد بن خالد، ١٤١٣ ق، ***المحاسن***، قم، المجمع العالمي لاهل البيت.
١١. تميمي آمدي، علي بن محمد، ١٤٠٥ ق، ***الإحكام في اصول الأحكام***، بيروت، دارالكتب العلمية.
١٢. جمالي‌زاده، حسين، ١٣٨٩، «جايگاه كار در زندگي انسان»، ***فدک (فصل‌نامه علمي - پژوهشي دين‌پژوهي و كتاب‌شناسي قرآن)***، ش١، ص ٧٤ - ٥٥.
١٣. جوهري، اسماعيل بن حماد، ١٤٠٧ ق، ***الصحاح تاج اللغة و صحاح العربية***، بيروت، دارالعلم للملايين.
١٤. حسيني كفوي، ابوالبقاء، ١٤١٣ ق، ***الكليات معجم في المصطلحات و الفروق اللغوية***، بيروت، مؤسسة الرسالة.
١٥. حقي بروسوي، اسماعيل، بي‌تا، ***روح البيان في تفسير القرآن***، بيروت، دارالفكر.
١٦. خطيب بغدادي، احمد بن علي، بي‌تا، ***تاريخ بغداد أو مدينة السلام***، بيروت، دارالكتب العلمية.
١٧. دانش، جواد، ١٣٨٩، «تأثير فضايل و رذايل اخلاقي در معرفت الهي از ديدگاه ملاصدرا»، ***پژوهشنامه علمي - پژوهشي فلسفه دين (نامه حكمت)***، ش ١٥، ص ١٠٠ - ٧٧.
١٨. رازي، فخرالدين محمد بن عمر، ١٤٢٠ ق، ***مفاتيح الغيب***، بيروت، دار احياء التراث العربي.
١٩. راغب اصفهاني، حسين بن محمد، ١٣٨١، ***مفردات الفاظ القرآن***، دمشق و بيروت، دارالتعلم و دارالشامية.
٢٠. زحيلي، وهبة، ١٤٢٤ ق، ***التفسير المنير في العقيدة و الشريعة و المنهج***، دمشق، دارالفكر.
٢١. زمخشري، محمود بن عمر، ١٤٠٧ ق، ***الكشاف عن حقائق غوامض التنزيل و عيون الاقاويل في وجوه التأويل***، بيروت، دارالكتاب العربي.
٢٢. سيوطي، جلال‌الدين، ١٤٠٤ ق، ***الدر المنثور في التفسير بالمأثور***، قم، كتابخانه آيةالله مرعشي نجفي.

۲۳.شوكاني، محمد بن علي، ١٤٢٠ ق، ***فتح‌القدير***، بيروت، دارالكتاب العربي.
۲٤.صدرالدين شيرازي، محمد بن ابراهيم ، ۱۳۸۳، ***شرح اصول كافي***، تهران، پژوهشگاه علوم انساني و مطالعات فرهنگي.
۲٥.طباطبايي، سيد محمدحسين، ۱۳۸۹، ***الميزان في تفسير القرآن***، تهران، دارالكتب الاسلامية.
۲٦.طبرسي، احمد بن علي، ١٤١٣ ق، ***الاحتجاج***، قم، اسوه.
۲۷.طبرسي، فضل بن حسن، ١٤١٢ ق، ***مجمع البيان في تفسير القرآن***، بيروت، دار احياء التراث العربي.
۲۸.طريحي، فخرالدين، ۱۳۷٥، ***مجمع البحرين و مطلع النيرين***، تهران، مرتضوي.
۲۹.طوسي، محمد بن حسن، بي‌تا، ***التبيان في تفسير القرآن***، بيروت، دار احياء التراث العربي.
۳۰.عياشي، محمد بن مسعود، بي‌تا، ***تفسير العياشي***، تهران، المكتبة العلمية الاسلامية.
۳۱.غزالي، ابوحامد محمد بن محمد، ١٤٢١ ق، ***الاقتصاد في الاعتقاد***، بيروت، دار و مكتبة الهلال.
۳۲.فضل‌الله، سيدمحمدحسين، ١٤١٩ ق، ***تفسير من وحي القرآن***، بيروت، دارالملاک للطباعة و النشر.
۳۳.فيروزآبادي، محمد بن يعقوب، ١٤٠٧ ق، ***القاموس المحيط***، بيروت، مؤسسة الرسالة.
۳٤.فيض كاشاني، ملا محسن، ١٤١٥ ق، ***تفسير الصافي***، تهران، مكتبة الصدر.
۳٥.قرشي، سيدعلي‌اكبر، ۱۳۷۲، ***قاموس قرآن***، تهران، دارالكتب الاسلامية.
۳٦.قمي، علي بن ابراهيم، ۱۳۸۷، ***تفسير القمي***، نجف، منشورات مكتبة الهدي.
۳۷.مازندراني، ملا محمد صالح، ١٤٢١ ق، ***شرح اصول الكافي للمازندراني***، بيروت، دار احياء التراث العربي.
۳۸.مجلسي، محمد باقر، ۱۳۷۰، ***مرآة العقول في شرح اخبار آل الرسول***، تهران، دارالكتب الاسلامية.
۳۹.مصطفي، ابراهيم، و ... [ديگران]، بي‌تا، ***المعجم الوسيط***، استانبول، المكتبة الاسلامية.
٤۰.مطهري، مرتضي، ۱۳۷۱، ***انسان و سرنوشت***، تهران، انتشارات صدرا.
٤۱.مكارم شيرازي، ناصر و همكاران، ۱۳۷۷، ***تفسير نمونه***، تهران، دارالكتب الاسلامية.
٤۲.نيشابوري، محمد بن فتال، ١٤٠٦ ق، ***روضة الواعظين***، بيروت، مؤسسة الاعلمي للمطبوعات.